

Image Schema of God's Spatialization in the Holy Quran: A Cognitive Semantics Approach

Davod Esmaeili¹

Maryam karbasian²

Mohammad Reza Haji Esmaeili³

1. Assistant Professor faculty Of Quran and Hadith Sciences University of Isfahan, Isfahan, Iran. d.esmaeily@theo.ui.ac.ir / <https://orcid.org/0000-0002-0761-1969>

2. Responsible Author. phd student Of Quran and Hadith Sciences University of Isfahan, Isfahan, Iran (Responsible author).

mkarbasian70@gmail.com / <https://orcid.org/0009-0007-9242-0000>

3. Professor Department of Quran and Hadith Sciences University of Isfahan, Isfahan, Iran. m.hajiesmaeili@ltr.ui.ac.ir / <https://orcid.org/0000-0003-1356-6938>

*Scientific
article*

Received

2024-10-19

Accepted

2025-05-24

Keywords

Holy Quran,
Spatialization,
Cognitive
Semantics,
Image
Schema

Abstract: Human attitudes in interaction with the surrounding world are shaped through recurring, meaningful sensory-motor and abstract patterns, influenced by embodied cognition and bodily experience. Based on the theory of embodied cognition in cognitive semantics, image schemas- as primary mental structures derived from human experience- develop more complex processes. One such process is the cognition of God as the only life-giving deity. The Holy Quran consistently refers to God's attributes of oneness and limitlessness; however, due to the elevated nature of these concepts and the lack of precise and accurate understanding, many of the abstract and metaphysical attributes presented through limited human vocabulary have become ambiguous. Among these is the spatialization of God. Spatialization and directional boundedness can be inferred from terms such as *Arsh* (Throne), *Kursi* (Footstool), *ascension*, *proximity*, *descent*, and *nearness* in reference to God. This study aims to explore how image schemas can be used to identify and analyze the process of human understanding of metaphysical issues and the truth of God in the Quran. Using a descriptive-analytical method, the present research collects metaphorical uses from eight Quranic verses and examines image schemas and mental imagery of spatialization vocabulary in 64 verses that indicate God's location, direction, or spatial position, relying on linguistic, semantic, and exegetical criteria. Furthermore, the metaphorical aspects of power, dominance, elevated status, and ultimate purpose in spatial terms, as well as the underlying image schemas of direction, proximity, and force, are explained.

Doi:

[10.22051/tqh.2025.48660.4286](https://doi.org/10.22051/tqh.2025.48660.4286)

publisher

Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran.

طرح‌واره تصویری مکان‌شدگی خداوند در قرآن کریم با رویکرد معناشناسی شناختی

داود اسماعیلی^۱ مریم کرباسیان^۲ محمدرضا حاجی اسماعیلی^۳

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: d.esmaely@theo.ui.ac.ir / <https://orcid.org/0000-0002-0761-1969>

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: mkarbasian70@gmail.com / <https://orcid.org/0009-0007-9242-0000>

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: m.hajjesmaeli@ltr.ui.ac.ir / <https://orcid.org/0000-0003-1356-6938>

چکیده: نگرش انسان در تعامل با جهان پیرامون خود بر اثر الگوی تکرار شونده و معنادار حسی-حرکتی و انتزاعی شکل می‌گیرد و این متأثر از درک کالبدی شناخت و بدن‌مندی او است. براساس نظریه‌ی شناخت بدن‌مند در رویکرد معناشناسی شناختی، طرح‌واره‌های تصویری، به‌عنوان ساختارهای ذهنی اولیه نشأت گرفته از تجربه‌ی انسانی، فرایند پیچیده‌تری را بسط می‌دهد. یکی از این فرایندها، شناخت خداوند به‌عنوان تنها معبود هستی‌بخش است. قرآن کریم پیوسته در مقام بیان خصوصیات خداوند به یگانگی و نامحدود بودن او اشاره دارد؛ اما به‌دلیل والا بودن این مفاهیم و نبود درک دقیق و صحیح آن، بسیاری از صفات انتزاعی و متافیزیکی ارائه‌شده در قالب واژگان محدود بشری دچار تشابه گشته است. برداشت مکانی‌شدگی خدای متعال نیز از این موارد است. مکانی‌شدگی و محدوده‌جهتی از واژگانی مانند: عرش، کرسی، صعود، عروج، عند، انزال، بُعد و قرب درباره خداوند قابل استنباط است. این پژوهش بر آن است تا چگونگی بهره‌گیری از طرح‌واره‌های تصویری و فرایند درک انسان از مسائل فرامادی و حقیقت خداوند در قرآن کریم را بازشناسی و تحلیل نماید. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی ضمن گردآوری کاربردهای استعاری هشت آیه از قرآن، با تکیه بر معیارهای زبانی، معناشناختی و تفسیری، طرح‌واره‌های واژگان مکانی‌شدگی و تصویرسازی ذهنی آنها را در ۶۴ آیه بررسی نموده که دلالت بر مکان، جهت، یا موقعیت مکانی خداوند دارند. همچنین وجوه استعاری قدرت، تسلط، علو مقامی و مقصد نهایی واژگان مکانی‌شدگی و نیز طرح‌واره‌های مبنایی جهتی، مجاورت و نیرو تبیین شده است.

صص

۱-۳۲

مقاله

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳-۰۷-۲۸

پذیرش:

۱۴۰۴-۰۳-۰۳

کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم،
مکان‌شدگی،
معناشناسی
شناختی،
طرح‌واره
تصویری

[10.22051/tqh.2025.48660.4286](https://doi.org/10.22051/tqh.2025.48660.4286)

دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

Doi
ناشر

۱. مقدمه

مفهوم خدای انسان‌وار، از مفاهیم دینی عمیق و بحث‌انگیز در میان پیروان ادیان است. در این مفهوم، خداوند به‌عنوان شخص شبیه به انسان تصوّر می‌شود که دارای احساس، اراده، ویژگی‌ها و محدودیت‌های انسانی است. هرچند در ادیان ابراهیمی، اسلام، یهودیت و مسیحیت، بر خداوند یگانه، مدبّر و خالق هستی تأکید شده؛ امّا در آئین یهود تجسیم الهی پذیرفته شده است. در منابع یهود از انسان‌انگاری خدا با عنوان «Anthropomorphism» به معنای نسبت دادن خصیصه‌های روان‌شناختی یا شکل فیزیکی و انسانی به خدا یاد شده است (Berenbaum & Skolink, 1945, p 188) و یهودیت با تعبیر «Shemmas yisrael» به وحدانیت و تصویر تنزیهی خدا اقرار می‌کند (کتاب مقدس، سفر تثنیه، باب ۴، آیه ۶). همچنین در برخی آیات عهد عتیق صفات انسانی مانند لمس کردن، نشستن، چهره و اعضای انسانی داشتن و تمثیل یافتن، بر انبیایی همچون: ابراهیم^(ع)، یعقوب^(ع) و موسی^(ع) به خدا نسبت داده شده است (همان، باب ۱، آیه ۱۰ و اشعیا، باب ۴۰، آیه ۲۲ و سفر خروج، باب ۳۳، آیات ۲۰ و ۲۳ و حزقیل، باب ۱، آیه ۳ و زکریا، باب ۴، آیه ۱۴ و سفر تثنیه، باب ۳۲، آیه ۴۰ و سفر پیدایش، باب ۳، آیات ۹-۸).

البته این نگاه در مسیحیت کمی عمیق‌تر است و حضرت مسیح^(ع) خود تجلی خداوند معرفی شده است. در منابع مسیحی از تجسد خدا در مسیح به «Incarnation» تعبیر شده که حاکی از یگانگی و اتحاد بُعد الهی و ناسوتی در یک شخص واحد (عیسی مسیح) است (Eliade, 1987, v7, p156) انسان‌انگاری خداوند در کتاب مقدس با القابی مانند «عمّانوئیل» به معنای «خدا با ماست»، آمده که به نحوه‌ی حضور خداوند در میان مردم اشاره دارد و نزدیکی خداوند به مسیح و مردمان را نشان می‌دهد (کتاب مقدس، اشعیا، باب ۷، آیه ۱۴). اعتقاد به پسر خدا بودن مسیح و تجسّم خداوند بر زمین از دیگر مفاهیم مهم و مؤثر در ایمان مسیحیان است (کتاب مقدس، مزامیر، باب ۲، آیه ۷).

در آئین اسلام با شکل‌گیری تفکر ظاهرگرایی افراطی در قرن دوم، بر تعطیلی اندیشه و تعقل در آیات تأکید شد. براساس این دیدگاه، خداوند دارای جسم، دست،

پا، چشم، حدود و مکان است. معتقدان به این دیدگاه با نام «مجسمه» یا «مشبهه» شناخته می‌شوند و گروه‌هایی را شامل می‌شوند مانند: «کزامیه»، «سلفیه»، «احمدیه»، «حشویه»، «تناسخیه»، «مغیریه»، «سبائیه» و «ضارویه» (حسنی رازی، ۱۳۸۳، صص ۷۵-۸۶).

ریشه تجسیم الهی در انسان بر بدن‌مندی ذهن انسان استوار است. ایده اصلی نظریه‌ی شناخت بدن‌مند، مبتنی بر تأثیر بدن بر ذهن و فرایندهای ذهنی است و از انواع نظریه‌های کالبدی شناخت به شمار می‌آید. در این رویکرد ضمن بررسی معانی نمادین اقدامات بدنی، رابطه سببی دوسویه بین آن‌ها و بازنمایی‌های شناختی فراهم می‌شود (Chen & Burrows, 1996, 242)؛ بنابراین انسان در مواجهه با آیات متشابه صفات الهی و درک مفهوم انتزاعی خارج از توانایی ذهنی خود، با تکیه بر نگرش بدن‌مند و در پایین‌ترین حالت درک این مفاهیم و طرح‌واره‌ها به تجسیم گرفتار می‌شود. آیات متشابه صفات الهی بر اساس متن عربی آن‌ها در چند محور قابل بیان است: الف: مکان‌شدگی که خود در دو دسته «جهت داشتن خداوند» و «مکان داشتن خداوند» یافت می‌شود؛ ب: افعال انسانی مانند تکلم و ... ؛ ج: بدن‌مندی خداوند مانند داشتن دست و چشم و

با توجه به ضرورت فهم صحیح آیات قرآن و اختلاف معنادار مذاهب کلامی در تفسیر آیات ناظر به توصیف خداوند، ضروری است آیات مشتمل بر مفاهیم مکانی‌شدگی، جهت‌داری و بدن‌مندی خداوند از منظر مطالعات جدید معناشناسی بررسی گردد تا از یک‌سو پرسش‌ها و چالش‌های مربوط به این مفاهیم برطرف شود و از سوی تنزیه خداوند بر اساس آموزه‌های قرآنی تبیین گشته تا هم یگانگی خداوند متعال در صفات ذات، ثابت و مستحکم بماند و هم انسان اسیر در محسوسات بتواند به درک ساحت قدسی‌اش نزدیک شود.

این پژوهش با تمرکز بر مکان‌شدگی خداوند و بررسی چگونگی بازنمایی مفاهیم انتزاعی مرتبط با خداوند در ۶۴ آیه و با توجه به محدودیت‌های زبانی و انتقال این مفاهیم بدون تشبیه یا تجسیم؛ به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است که:

- چگونه می‌توان با بهره‌گیری از طرح‌واره‌های شناختی به درک انسان از مسائل ماوراءالطبیعه و به‌ویژه خداوند دست یافت، به‌گونه‌ای که هم یگانگی خداوند متعال در صفات ذات ثابت و مستحکم بماند و هم انسان گرفتار در محسوسات بتواند به درک ساحت قدسی‌اش نزدیک شود؟

- در قرآن کریم چه استعاره‌های مفهومی برای ترسیم این طرح‌واره‌ها می‌توان یافت؟

- مفهوم حدود و جهت داشتن خداوند بر پایه کدام الگوی کلی استعاره‌ای قابل تبیین است؟

۲. تبیین مفهوم معناشناسی شناختی

در مطالعات زبان‌شناسی شناختی به بررسی زبان بر اساس تجربیات کسب شده از جهان، چگونگی درک این تجربیات و شیوه الگوهای مفهوم‌سازی پرداخته می‌شود. این رویکرد از زبان برای کشف ساختار نظام‌شناختی انسان بهره می‌گیرد (راسخ مهند، ۱۳۹۳، ص ۶). یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی شناختی، معناشناسی شناختی است که نخستین بار از سوی لیکاف در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ مطرح شد. در این نگرش، رابطه میان تجربه، سیستم مفهومی و ساختار معنایی زبان بررسی می‌شود و پژوهش با بازنمایی دانش ساختار مفهومی و ساخت معنا (مفهوم‌سازی) صورت می‌گیرد (Evans & Green, 2006, 50-68). در معناشناسی شناختی، معنا بر ساخت‌های تصویری و مفهومی قراردادی استوار است و در نتیجه ساخت معنا، مانند سایر حوزه‌های شناختی، بازتاب «مقوله‌ی ذهنی» است که انسان در حین رشد از تجارب و اعمال خود به آن شکل می‌دهد. در ادبیات معناشناسی شناختی، ساخت‌ها و فرایندهای تصویری زیادی شناسایی می‌شود و در عین حال به استعاره توجه ویژه‌ای شده است (Saeed, 1997, p301). نظریه استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری دو حوزه مهم معناشناسی شناختی است که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته شده است.

۲-۱. استعاره مفهومی

در مطالعات سنتی ادبی همواره استعاره از یک سو به مجاز و از سویی دیگر به تشبیه پیوند خورده است و به لحاظ زبان‌شناسی استعاره بر پایه‌ی یک قیاس معنایی و تعامل ادراکات گوناگون از پدیده‌ها شکل می‌گیرد. بنابراین شیوه‌های شناختی بشر از پدیده‌های جهان باعث شکل‌گیری استعاره می‌شود و تولید آن یک فرایند زیاست که به سبک زبانی خاصی تعلق ندارد و کاربرد آن خودکار است و به دنبال یکی از گرایش‌های اصلی زبان حاصل می‌شود و به نقش‌های فرعی زبان منحصر نیست (اکو، ۱۳۹۰، ص ۳۲). لیکاف و جانسون معتقدند که بخش بزرگی از نظام مفهومی انسان بر پایه‌ی استعاره شکل گرفته است، به این معنا که بیشتر مفاهیم از طریق ارتباط با سایر مفاهیم قابل فهم می‌شوند. در مقابل، مفاهیمی که مستقیماً بدون واسطه درک می‌شوند، شامل موارد پایه‌ای مانند بالا و پایین، درون و بیرون، شیء و ماده و نمونه‌های مشابه هستند (مححص و رضازاده، ۱۴۰۳، ۱۴۱).

لیکاف معتقد است بسیاری از حوزه‌های تجربه به‌طور استعاری و توسط طرح‌واره‌های تصویری (Image schema) اندکی ساخته می‌شوند؛ از جمله ظرف و مظروف که در قلمروی مکانی به کار می‌رود؛ سفر و اجزای آن، نزدیکی و دوری، پیوستگی و گسستگی، موقعیت عقب و جلو و جهت حرکت، رابطه جزء و کل، ترتیب خطی، موقعیت پایین و بالا و مفهوم‌سازی توده‌ای در مقابل چندگانه (Taylor, 1990, p130)؛ بر این اساس اقسامی را برای استعاره مفهومی می‌شمارند که شامل استعاره‌های ساختاری، استعاره‌های جهتی و استعاره‌های وجودی می‌شود.

- در استعاره‌ی ساختاری یک مفهوم بر اساس مفهوم دیگر ساختار می‌یابد و خود مفهوم و روابط موجود میان مفاهیم مرتبط با آن، مفهوم ساختاردهی را شکل می‌دهند.

- در استعاره جهتی مجموعه‌ای از مفاهیم بر اساس رابطه با مفاهیم دیگر شکل می‌گیرد؛ و از این‌رو که با تعیین جهت مکانی بیان می‌شوند، به آن استعاره جهتی می‌گویند.

- استعاره وجودی بر اساس شخصیت‌بخشی به اشیا شکل می‌گیرد؛ از این رو در این نوع استعاره، وجود چیزی در قالب چیزی دیگر فهم می‌شود که آن می‌تواند امری غیرمادی در قالب موجودی مادی باشد (قائمی‌نیا، ۱۳۹۷، صص ۷۰-۷۵).

۲-۲. طرح‌واره تصویری

طرح‌واره‌های تصویری از نظریه‌های مهم و بنیادین در معناشناسی است که مارک جانسون در سال ۱۹۸۷ در کتاب «بدن در ذهن» به فرایند شناخت ذهن پرداخت و تأکید کرد که این فرایند در قالب طرح‌واره‌ای مبتنی بر ساختارهای آگاهی و دانش، نحوه فعالیت ذهن را تعیین می‌کند. این طرح‌واره اساساً برای معنا بخشیدن به تجربه‌ها، حوادث شخصی، موقعیت‌ها و یا عناصر زبانی ضروری است (فتوحی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱). طرح‌واره‌های تصویری ساختارهای ذهنی اولیه و پیش‌زبانی هستند که از تعامل انسان با محیط فیزیکی و تجربیات جسمانی وی نشأت می‌گیرند. این طرح‌واره‌های ساده و انتزاعی در تمامی زبان‌ها مشترک بوده و به‌عنوان الگوهای پایه‌ای برای سازمان‌دهی تجربیات حسی و حرکتی عمل می‌کنند؛ اما استعاره‌های مفهومی ابزارهایی زبانی و شناختی‌اند که با استمداد از مفاهیم عینی‌تر و ملموس‌تر، مفاهیم انتزاعی و پیچیده را قابل درک می‌سازند. این استعاره‌ها بر پایه‌ی طرح‌واره‌های تصویری ساخته می‌شوند و از آن‌ها برای انتقال مفاهیم انتزاعی استفاده می‌شود.

بر پایه‌ی این دیدگاه تجارب جسمی و حسی - ادراکی در تعامل با دنیای اطراف، منشأ بروز طرح‌واره‌های تصویری در نظام مفهومی هستند و براساس نوع تجربیات به طرح‌واره‌های: حرکتی، حجمی، قدرتی، موجودیت، تعادلی، پیوستگی و فضایی تقسیم می‌شود؛ در تعریف و توضیح مهم‌ترین آن‌ها این‌گونه آمده است:

- چنانچه انسان از طریق تجربه‌ی قرار گرفتن در مکانی که حکم ظرف را پیدا می‌کند، بدن خود را مفروضی فرض کند که می‌تواند در ظرف‌های انتزاعی قرار گیرد؛ طرح‌واره حجمی را متصور شده است.

- تجربه حرکت در دنیای اطراف برای پدیده‌های گوناگون، فضایی می‌آفریند که در آن می‌توان حرکت کرد. در زبان، شاهد تعبیراتی با نمودار حرکت و طرح‌واره حرکتی هستیم.

- در طرح‌واره حرکتی اگر نیرویی در مقابل حرکت مقاومتی ایجاد کند، انسان در برخورد با این مانع مواجهه‌ی متفاوتی خواهد داشت و ممکن است از ادامه حرکت بازایستد؛ یا بتواند آن مانع و سد را شکسته و به حرکت خود ادامه دهد یا حتی مسیر را دور زده یا مسیر دیگری را انتخاب کند. به این ترتیب طرحی که در برخورد فیزیکی در تمامی مواجهه‌های مذکور در ذهن انسان پدید می‌آید به‌عنوان طرح‌واره قدرتی شناخته می‌شود (صفوی، ۱۳۸۲، صص ۶۵-۷۱).

۳. پیشینه مطالعاتی طرح‌واره‌های تصویری در قرآن کریم

در موضوع طرح‌واره تصویری و رویکردهای متفاوت به آن، پژوهش‌های بسیاری صورت پذیرفته است؛ از جمله پور ابراهیم و همکاران (۱۳۸۸) با شناسایی کانون‌های استعاره‌ی «فوق»، «دون»، «علی»، «اعلی»، «هبط» و ... به این نتیجه رسیده که مفاهیم انتزاعی قدرت، بیشتر و بهتر در بالای یک خط عمودی و مفاهیم و تصوراتی چون ضعف، کمتر و بدتر در پایین قرار دارند. همچنین در مقاله دیگری که در سال ۱۳۹۲ منتشر نموده‌اند مفاهیم اهمیت، توجه و شکست را با استفاده از مفهوم مکانی پشت‌ورو و مفاهیم عظمت، دشمنی و رسیدگی به امور را با کمک مفاهیم مکانی دور و نزدیک مفهوم‌سازی کرده‌اند. قائمی و همکاران (۱۳۹۵) نیز با تحلیل ویژگی مشترک میان زندگی و سفر، هدفمند بودن را ویژگی مشترک این دو دانسته‌اند که سبب انطباق این دو مفهوم بر یکدیگر می‌شود. یگانه و افراشی (۱۳۹۵) با بررسی استعاره‌های جهتی در قرآن با رویکرد شناختی نشان می‌دهد که چگونه الفاظ جهتی در بیان مفاهیم انتزاعی و پیچیده مانند منزلت و زمان به کار رفته‌اند. حسومی و توکل‌نیا (۱۳۹۵) با تمرکز بر مفهوم «ظرفیت» در طرح‌واره تصویری حرف «فی» نشان می‌دهد که این حرف در قرآن نه تنها به ترسیم معانی مکانی کمک می‌کند، بلکه نگاهی عمیق به مفاهیم انتزاعی را فراهم می‌آورد. در این راستا اما سرداراز خان

و رُسلان علی (۲۰۱۷)^۱ از یک‌سو باتکیه بر مباحث نحوی- واژگانی و از سویی با توجه به معنای فضایی-هندسی آن بر این باورند که این حرف در هر بافت، حوزه معنایی خاص خود را دارد و گاه تقارن طرح‌واره تصویری ظرفی در آن غالب است. قربانی و حسینی (۱۴۰۰) نیز به بررسی طرح‌واره‌های تصویری ذیل واژه «عند» پرداخته‌اند. طرح‌واره اصلی «برجستگی» و زیرعنوان «طرح‌واره خطی (دوطرفه حرکتی)» به‌عنوان نتایج نوآورانه مقاله معرفی شده است. حسن شیروی و مهدی غیاثوند (۱۴۰۰) با طرح امکان مکملیت زبان دین تشکیکی و استعاره‌گرایی در پاسخ گفتن از خداوند، تلاش نموده نگاهی نوین و تلفیقی میان رویکردهای مختلف فلسفی و زبان‌شناختی ارائه دهد. نسرین تیموری و همکاران (۱۴۰۰) با بررسی نقش طرح‌واره‌های تصویری در انتقال مفاهیم انتزاعی قرآن مانند معاد، بهشت و جهنم، طرح‌واره‌ی قدرتی پرکاربردترین و طرح‌واره‌ی شیء کم‌کاربردترین را در سوره طه و انبیاء تبیین نموده‌اند. علی اسودی و سمیه مدیری (۱۴۰۱) با بررسی طرح‌واره‌های تصویری در سوره صافات نشان می‌دهند که طرح‌واره قدرتی با ۵۳٪ کاربرد بیشترین و طرح‌واره‌های حرکتی و حجمی به ترتیب با ۲۴٪ و ۲۳٪ کمترین کاربرد را در درک مفاهیم انتزاعی بهشت و جهنم دارند. رقیه حبیب‌پور گودرزی و همکاران (۱۴۰۲) نیز طرح‌واره‌های تصویری سوره‌ی "الإسراء" در انتقال مفاهیم: لعن، وسوسه‌ی شیطان، عذاب، فرامین و احکام الهی، توکل، بی‌اعتمادی، گواهی و شهادت، تکذیب، کبر و غرور و... را بررسی نموده‌اند. امینی (۱۴۰۲) با بررسی شبکه‌ی شعاعی ماده «دبر» در قرآن نشان می‌دهد که معنای این واژه از طریق تغییرات طرح‌واره‌ای و بسط استعاری، مفاهیم انتزاعی مانند ترس، نسل و غفلت را شکل می‌دهد. سمر سامی (۲۰۲۳)^۲ با تحلیل مفهومی و ادراکی برخی آیات منتخب

^۱ "A Cognitive-Semantic Study of the Spatial Preposition Fi in the Quran". (2017).

KEMANUSIAAN The Asian Journal of Humanities. 24(2): 89-122.

DOI: 10.21315/kajh2017.24.2.4

^۲ A Cognitive Semantic Analysis of Selected Quranic Verses.

قرآن ارتباط بین ذهن، تجربه بشری و زبان در تبیین مفاهیم انتزاعی را بررسی و تأکید نموده که در فهم عمیق پیام‌های قرآن، باید با عبور از سطح لغات و ساختارهای زبانی به مفاهیم ذهنی و تجربی این واژگان توجه نمود. در نهایت حسین خانی کلفای (۱۴۰۴) با بررسی استعاره‌های مفهومی انسان‌انگاری در قرآن کریم به تبیین کیفیت مفهوم‌سازی برخی مفاهیم انتزاعی مانند حق، مرگ، شب، صبح، آب و خشم به صورت انسانی پرداخته است.

نگاه به زبان قرآن در این رویکرد از جمله نگرش‌های نوین در تفسیرپژوهی معاصر است. در پژوهش‌های صورت‌گرفته، توجه به مجموعه‌ی آیات ذیل یک موضوع و نگاه استعاری در هر یک از آیات کمتر مورد مطالعه محققان بوده است. از سوی دیگر در پژوهش‌های طرح‌واره تصویری در آیات، غالباً ساحت خداوند به عنوان مرکز و مبدأ طرح‌واره بیان نشده و در مواردی که طرح‌واره به مقام و قدرت خداوند اشاره دارد، موضوع اصلی بحث نیست و صرفاً جزئی از آن به شمار می‌آید، به عبارت دیگر در بررسی طرح‌واره جهتی در قرآن کریم آیات مرتبط با ساحت خداوند به صورت جزئی مطالعه شده است. از آنجا که یک موضوع می‌تواند با استعاره‌های مفهومی متفاوت شکل گیرد و تکامل یابد؛ این مقاله به موضوع «خدای انسان‌وار» در مجموعه‌ای از آیات، با نگاه استعاری و طرح‌واره‌های تصویری پرداخته است.

۴. روش پژوهش

مقاله حاضر با هدف بررسی طرح‌واره‌های تصویری مکان‌شدگی خداوند در قرآن کریم و با روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از رویکرد معناشناسی شناختی، به ویژه نظریه‌ی استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری، به رشته تحریر درآمده است. از این رو پس از مطالعه‌ی قرآن کریم و شناسایی آیات و واژگان کلیدی مرتبط با مکان‌شدگی، معانی اولیه و بافتی واحدها در حوزه‌های مبدأ مشخص گردیده و در پایان، استعاره‌ها در چارچوب نظریه استعاره‌ی مفهومی و طرح‌واره تصویری مربوط به آنها تحلیل شده است. به دیگر سخن استعاره‌های مفهومی مرتبط با واژگان مکانی‌شدگی، مانند استعاره‌های ساختاری، جهتی و وجودی بررسی شد و قلمروهای مبدأ و مقصد همچنین چگونگی نگاشت مفاهیم از حوزه‌های فیزیکی به حوزه‌های

انتزاعی شناسایی گردید. طرح‌واره‌های تصویری مرتبط با مفاهیم مکانی‌شدگی، مانند طرح‌واره‌های جهتی و مجاورت نیز تحلیل شد و محدودیت‌های زبانی و چرایی استفاده از این مفاهیم در قرآن نشان داده شد.

بازنمایی مفاهیم انتزاعی مرتبط با ساحت الهی در قرآن کریم، براساس حضور واژگانی که در معنای پیش‌نمونه‌ای خود به مکان و جهت اشاره دارند مانند «فوق»، «عند»، «صعود»، «عرش» و کاربرد استعاری این واژگان در بافت آیات برای انتقال مفهیمی مانند قدرت، تسلط، و علو مقامی به‌عنوان «کانون‌های استعاری» عمل می‌کنند. در این راستا، ۶۴ آیه منتخب دارای واژگان مکانی هم در معنای فیزیکی و هم در معنای استعاری همچون حروف اضافه؛ نظیر «فوق»، «علی»، «تحت»، «دون»؛ افعالی از ریشه‌ی «رفع»، «تعالی»، «انزل»، «نزل»؛ واژگان «عرش، کرسی، مرصاد، غمام، صعود و عروج» و صفات «علو»، «متعال» در قالب ساختارهای شناختی نشأت‌گرفته از تجربه‌های جسمانی انسان بررسی شدند.

۵. معانی پیش‌نمونه‌ای و اصلی واژگان مکانی‌شدگی

مکانی‌شدگی ویژگی‌های جهتی تعیین‌کننده‌ی ساختار اشیاء، موقعیت‌ها و ارتباط موازی میان آن دو، براساس محدودیت‌ها، فضای داخلی و سویه‌ها است (غالیم، ۲۰۰۷، ص ۳۸). مکان‌مندی انسان و فراگیر بودن حرکت در تجربه‌ی زیستی انسان، استفاده از ساختارهای مفهومی و بازنمود زبانی بسیاری از مفاهیم انتزاعی را موجب می‌گردد. مکانی‌شدگی خداوند در قرآن کریم با واژگانی مانند «عرش، کرسی، مرصاد، غمام، متعال، انزال...» دیده می‌شود. در بیان سویه‌ها واژگان «الی، عند، فوق، علی، ...» در هم‌نشینی با «عروج، صعود، مصیر، ...» کاربردهای معنایی در جهت محدوده‌ی مکانی برای خداوند و نیز بازنمود مفاهیم انتزاعی را پذیرا می‌گردد. این واژگان در برخی آیات بر معنای اصلی خود دلالت و در مفهوم فیزیکی-مکانی کاربرد دارد؛ برای نمونه «عرش» در اصل به معنای چیزی است که سقف داشته باشد و در مقابل «فرش» قرار دارد. محل جلوس سلطان نیز به اعتبار بلندی آن «عرش» نامیده شده است؛ چراکه پادشاه نسبت به اطرافیان خود، بالاتر و بر آنها مسلط است (ابن فارس، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۲۶۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۵۵۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۰،

ج ۸، ص ۲۰۳). در آیهی «... وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهٖ جَسَدًا...» (ص: ۳۴) حضرت سلیمان^(ع) با قرار گرفتن جسدی بر تخت پادشاهی خود مورد آزمون خداوند قرار می‌گیرد. در اینجا، تخت فیزیکی حضرت سلیمان مدنظر است و از مفهومی انتزاعی حکایت نمی‌کند. در آیهی «وَرَفَعَ أَبُوتَهُ عَلَى الْعَرْشِ...» (یوسف: ۱۰۰) نیز از تخت حکومتی حضرت یوسف^(ع) با عنوان «عرش» یاد شده که مکانی فیزیکی است و به دنبال انتقال مفهوم انتزاعی نمی‌باشد. در آیهی «... لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَیْهَا یَظْهَرُونَ» (الزخرف: ۳۳) نیز «معارج» در معنای اصلی خود یعنی نردبان فیزیکی مطرح شده است.

بنابراین توجه به این اصل ضروری است که واحدهای زبان، پس از هم‌نشینی با یکدیگر، تحت تأثیر افزایش یا کاهش معنایی قرار گرفته و تغییراتی در معنای اولیه آن‌ها روی می‌دهد که به تدریج به چندمعنایی واحدهای زبان می‌انجامد (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۸۱) در ادامه چندمعنایی یا ساختارهای مفهومی واژگان مکانی‌شدگی در قرآن بررسی می‌شود.

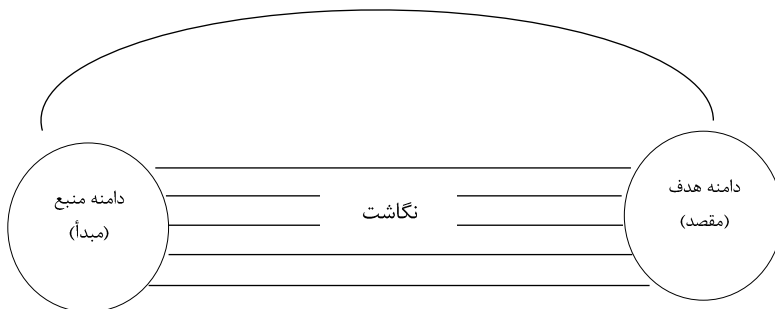
۶. بسط استعاری واژگان مکانی‌شدگی خداوند در قرآن کریم

هر چند استعاره‌ی ذهنی، به مدد مبنای تجربی خود زمینه‌ی درک یک مفهوم انتزاعی را فراهم می‌کند؛ اما نوعی نظام‌مندی کلی در میان کلیه استعاره‌های جهتی وجود دارد که بیانگر انسجام موجود میان آن‌هاست. به این ترتیب که استعاره تصویری «خوب بالاست» هر چیز خوب و مطلوبی را با جهت بالا توصیف می‌کند (یوسفی راد، ۱۳۸۲، ص ۴۹). اما باید توجه داشت که در برخی موارد، به دلیل ارتباط تنگاتنگ مکانی‌شدگی (spatialization) با یک مفهوم خاص به دلیل پیچیدگی و انتزاعی بودن، تصوّر استعاره و یا حالت دیگر برای آن مفهوم دشوار است؛ از این‌رو در واژگان مکانی‌شدگی به‌کار رفته برای خداوند، افزون بر معنای اصلی و پیش‌نمونه‌ای، در راستای انتقال مفاهیم غیرمحسوس و انتزاعی نیز کاربرد استعاری یافته‌اند. در این میان ذهن بر اساس وجود فضاهای ذهنی (Mental space) با مقایسه و ترکیب این فضاها، معانی جدیدی به‌وجود می‌آورد و این مفاهیم را با

کدگذاری و نگاشت^۱ از یک حوزه‌ی ذهنی به یک حوزه فیزیکی قابل درک، منتقل نماید.

استعاره مفهومی در حقیقت فرایند فهم و تجربه فضای (الف) به کمک پدیده‌ها و اصطلاحات متعلق به فضای (ب) است؛ بنابراین هر استعاره‌ای سه سازه دارد: ۱. فضای (الف) را هدف (مقصد) می‌نامند که عموماً امور ذهنی و مفاهیم انتزاعی هستند؛ ۲. فضای (ب) را منبع (مبدأ) می‌نامند که معمولاً امور عینی و آشنانتر و متعارف‌تر هستند؛ ۳. نگاشت که به رابطه میان دو فضا گفته می‌شود که به شکل تناظرهایی میان دو مجموعه صورت می‌گیرد (فتوحی، ۱۳۹۰، ص ۳۲۶). در شکل زیر این سازه‌های سه‌گانه و پیوند آن‌ها در میدان تناظرها با هم نشان داده شده است:

میدان تناظرها



در ادامه برخی معانی مرتبط با واژگان مکانی‌شدگی خداوند بررسی می‌شود. این معانی به دلیل همنشینی با واژگان دیگر، ضمن بیان مفاهیم ذهنی با استعاره‌پردازی همراه هستند و از معنای مادی و فیزیکی به مقوله‌ای متافیزیکی و انتزاعی تبدیل می‌شوند:

۱. نگاشت (mapping) در ریاضیات به نوعی تناظر یک به یک میان اعضای دو مجموعه گفته می‌شود که هر عضو مجموعه A فقط یک نظیر در مجموعه B دارد.

۶-۱. قدرت

مفهوم قدرت در قرآن به نوعی بیانگر ویژگی‌های مطلق و جامع خداوند در تمامی ابعاد، هم از منظر مکانی و فیزیکی و هم اخلاقی و معنوی، است. دیگر اینکه ارتباط متناظر میان قدرت و نظارت الهی در قرآن، نشان‌دهنده‌ی امری بنیادی است که اخلاقیات و رفتار انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای نمونه در آیه «وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ...» (الأنعام: ۱۸ و ۶۱) و آیه «يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ...» (النحل: ۵۰) این فوقیت و قدرت، فوقیت دانش و توانایی و احترام و ارزش است که بر همه‌ی ابعاد و الوهیت خداوند فرمانروایی می‌کند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۹، ص ۳۶۰). واژه «فوق» با نشان دادن هیمنه کامل خداوند بر همه چیز حاکی از این است که قدرت مطلق خداوند بر بندگانش فوقیتی اخلاقی و مقتدرانه و حکومتی جامع است نه این که خداوند در مکان بالاتر نسبت به بندگانش قرار دارد (فضل الله، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۴۸). همنشینی واژگان «قهر، خوف و فوق» موجب تغییر حوزه معنایی واژه‌ی «فوق» در انتقال مفهوم متافیزیکی از قدرت شده است. نمونه دیگر آیه‌ی «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ» (الفجر: ۱۴) است. «مرصاد» از ریشه «ر ص د» به معنای آماده شدن و انتظار است. این واژه در زبان عربی اسم مکان بوده و بر مکان نظارت و مشاهده یا همان «کمینگاه» دلالت دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۱۵۳). استفاده از واژه «مرصاد» افزون بر معنای مکان، مفهوم نظارت را با خود همراه دارد و مراقبت مستمر بر اجرای امور با نگاه دقیق و ریزبینانه‌ای را نشان می‌دهد در خصوص آنچه انجام گرفته و آنچه باید انجام گیرد (معصومی، ۱۳۸۵، ص ۳۳). بنابراین در این آیه خداوند به‌عنوان حاکم مقتدر و مسلط در مکان بالا قرار گرفته تا امکان رهایی از عذاب الهی را نفی نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۶، ص ۴۵۷). در زبان قرآن، قدرت، به‌گونه‌ای مفهوم‌سازی شده که گویا مظاهر و مصادیق «قدرت» بر مظاهر و مصادیق «ضعف» برتری و ارتفاع مکانی دارند؛ البته این واژگان همواره در همنشینی با واژگان دیگر آیه چنین معنایی را به ذهن مخاطب القاء می‌کنند. این مفهوم در زبان، زیرمجموعه استعاره‌ای کلی است که از آن با استعاره‌ی «بالا به مثابه قدرت» یاد می‌شوند.

۶-۲. تسلط و ثبوت

واژه «عرش» از دیگر واژگانی است که با اشاره به این بُعد معنایی بر مکان‌شدگی دلالت دارد برای نمونه در آیه «...تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (التوبة: ۱۲۹) از عوالم امکان و جهان هستی از آن نظر که عظمت بی‌نهایت ساحت کبریائی را بقدر ظرفیت امکانی خود ارائه می‌دهد به‌عنوان «عرش عظیم» تعبیر شده؛ زیرا صدور فعل، ظهور واقعیتی از سوی فاعل است. مفهوم تسلط در واژه «عرش» در همنشینی با فعل «استوی» قابل فهم است؛ سیطره، استعلاء کنترل و تسلط بدون محدودیت را نشان می‌دهد. اما از آنجا که این ویژگی‌ها می‌تواند برای حاکم، پادشاه یا هر صاحب قدرتی باشد با واژگان «رب، ذو، کریم و عظیم» همراه شده تا مفهوم انتزاعی تسلط را به ذهن مخاطب متبادر نماید و خداوند را به‌سان حاکم و پادشاهی در محدوده‌ی مشخص، تصویرسازی نماید.

این محدودیت مکانی برای خداوند متعال در آیه‌ی ۲۵۵ بقره نیز آمده است «...وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...» کاربرد واژه «کرسی» برای خداوند به این دلیل است که جایگاه مناسب برای خداوند باید از نظر عظمت به‌گونه‌ای باشد که همه آسمان‌ها و زمین را فرا گیرد تا بر آن‌ها نظارت کند. تفسیر مادی از «کرسی» و «عرش» و مقایسه آن‌ها، موجب انحراف و گمراهی از حقیقت می‌شود. پروردگار قائم و احاطه‌کننده را به موقعیت دلخواه تشبیه می‌کند و تنزل می‌دهد. البته تصور کرسی پس از وجود خلق و توجه به نظارت، هدایت و احاطه بر خلق است؛ اما عرش، در جهت استوا و تسلط بر آن مورد توجه قرار می‌گیرد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۴۸). با این حال اما مفهوم بالا بودن در هر دو واژه نهفته شده و در مورد خداوند متعال مفهوم «قدرت» را به ذهن متبادر می‌کند. ذهن بدن‌مند انسان تسلط و استیلا بر «عرش» و گسترش «کرسی» را دست‌نیافتنی می‌داند و صاحب آن را دارای نهایت قدرت و غلبه به‌گونه‌ای که کسی را یارای مقابله با آن نیست. همراهی حمد و ستایش، توکل، تسبیح و وحدانیت برای استغفار و رستگاری به‌عنوان هدف در آیات بیان شده، تا بر غرض‌گوینده دلالت کند.

۶-۳. علو مقامی

از دیگر واژگان مکانی‌شدگی که بر هر چیزی که در بالا قرار دارد و بالا می‌رود دلالت می‌کند، واژه «تعالی» است. «تعالی» اسم مبالغه از ریشه «ع ل و» به معنای ارتفاع و بالا بودن بدون لحاظ حالت پیشین آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۴۵؛ ابن فارس، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۱۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۸۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۲۶۰). این واژه اعم از رفعت مادی و معنوی و مکانی است که در مورد خداوند کاربرد فراوانی دارد و با واژگان «علی، علو، متعال، تعالی» در صدد بیان علو مقامی است؛ زیرا خداوند از داشتن مکان مبرّا است. برای نمونه در آیه «فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ» (المؤمنون: ۱۱۶) خداوند به‌سان حاکمی توصیف شده است که در بالاترین جایگاه قرار دارد. در حالی که این آیه به عبث و بیهود نبودن خلقت خداوند اشاره دارد و در حقیقت مقام و جایگاه خداوند را از آن منزّه و دور نشان می‌دهد. همراهی واژگانی مانند «حق» و «رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ» بر وجه استعاری آن از علو مقامی حکایت می‌کند. خداوند از انجام کار عبث برتر است، او مدبّر مُلک و فرمانروا است، می‌تواند درباره حیات، مرگ، رزق، شروع، اعاده و امثال آن فرمان دهد. او حق است و فقط کار حق از او سر می‌زند (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۱۶۹) و معنای حکمت، نیرو، علو و برتری بر همه موجودات با آن همراه است (فضل الله، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۰۸).

۶-۴. هدف غایی

گاهی واژگان مکانی‌شدگی به‌عنوان هدف و مقصد نهایی مفاهیم انتزاعی مطرح می‌گردند. برای نمونه در آیه «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...» (فاطر: ۱۰) خداوند متعال مقصد نهایی بشر است و دو تعبیر انتزاعی صعود و رفع درباره کلام پاکیزه و عمل صالح، بر مکان و جایگاه رفیع خداوند دلالت دارد. بالا رفتن سخن و کار شایسته به‌سوی خداوند، کنایه از پذیرفته شدن اعمال و سخنان است (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۲۸۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۸، ص ۱۹۶). هدف غایی قرار گرفتن آن‌ها در آیه، باعث می‌شود که افراد به سمت کلام و کردار نیک

گام بردارند. در همه موارد پیش‌گفته با توجه به بافت متن و سیاق واژگان، معانی استعاری بر معنای آشنای واژگان غلبه می‌کند؛ اما گاه امکان دریافت معانی دیگری غیر از معانی پیش‌نمونه‌ای، وجود دارد که در قالب طرح‌واره تصویری قابل بررسی و مطالعه است (صفوی، ۱۳۹۲، ص ۱۸). در ادامه برخی از این موارد بررسی می‌شود.

۷. طرح‌واره تصویری واژگان مکانی‌شدگی خداوند در قرآن کریم

طرح‌واره‌هایی که از تغییر معانی اصلی واژگان مکانی‌شدگی تشکیل شده و مقولات خارج از معانی پیش‌نمونه‌ای و استعاری را در ذهن تداعی می‌نماید، به قرار زیر است:

۷-۱. طرح‌واره‌های جهتی

طرح‌واره‌های جهتی بر اساس تجربه فیزیکی-جسمی انسان، با موضوعات پیرامونی ارتباط گرفته و سنجیده می‌شود. مفاهیم دور/ نزدیک و بالا/ پایین از این جمله‌اند:

۷-۱-۱. نزدیکی/ دوری

گاهی موقعیت انسان یا هر پدیده دیگری نسبت به سایر پدیده‌ها براساس فاصله سنجیده می‌شود و طرح‌واره دور یا نزدیک را تداعی می‌نماید. این طرح‌واره مبتنی بر روابط مکانی، بر دامنه غیرمکانی توسعه می‌یابد و در نتیجه میزان تداخل عاطفی و احتمال تأثیر متقابل بر حسب نزدیکی تعبیر می‌شود (Taylor, 1990, 320).

آیات متضمن مفهوم قرب الهی با استفاده از واژگان مکانیت در طرح‌واره جهتی قرار می‌گیرد. این واژه‌ها با دلالت بر وجود مفاهیم انتزاعی تصویرسازی می‌شوند. برای نمونه در آیه «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...» (البقرة: ۱۸۶) می‌توان مفهوم نزدیکی خداوند به انسان را تصور کرد. اما طبعاً قرب در برابر پروردگار به معنای نزدیکی مکانی نیست، بلکه نزدیکی مقامی، یعنی رفتن به سوی کمال مطلق، مدنظر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۵) و مالکیت حقیقی خداوند بر بندگانش را نشان می‌دهد؛ مالکیتی عام که موجب احاطه‌ی مطلق بر تقدیرهای آنان است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۲). یا در آیه‌ی «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (القمر: ۵۵) نزدیکی خداوند ترسیم شده و

تمکین و مالکیت الهی را در جهت سیطره و تسلط بیان می‌کند (بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۷، ص ۳۶۹؛ طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۳۶۹).

در آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» (الأنفال: ۲۴) نیز طرح‌واره نزدیکی تصویر شده و می‌فرماید خدا به قدری به شما نزدیک، مسلط و محیط است که میان شما و اراده شما حائل و مانع می‌شود (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۱۵). برخی مفسران این تعبیر را بر توحید افعالی و احاطه پروردگار بر روح و روان بشر حمل نموده‌اند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۲۸۷).

۷-۱-۲. بالا / پایین

در این طرح‌واره انسان خود یا اشیاء را محور قرار داده و موقعیت شیء دیگر را نسبت به این جایگاه می‌سنجد. در الگوی استعاری بالا/قدرت، بالا/بیشتر و بالا/بهتر طرح‌واره جهتی از بالا/پایین قابل تبیین است.

در گفتمان قرآن آنچه به نوعی مطلوب‌تر است، نسبت به آنچه کم اهمیت‌تر و فاقد ارزش دینی است در مرتبه مکانی بالاتر مفهوم‌سازی شده و درصدد بیان الگوی استعاری «بهتر به‌مثابه بالاتر» می‌باشد. برای نمونه آیاتی که در آن ریشه «ن ز ل» به معنای فرو فرستادن به‌کار رفته و در کنار واژه «الله» قرار گرفته و با واژگان «خیر^۱، مصدق^۲، فضل^۳، حکم^۴، سلطان^۵، سکینه^۶، اخبار^۷، احسن الحدیث^۸، امر^۹ و

۱. البقرة: ۱۰۵.

۲. البقرة: ۴۱ و ۹۱.

۳. البقرة: ۹۰.

۴. المائدة: ۴۵ و ۴۷ و ۴۹.

۵. الأعراف: ۷۱؛ یوسف: ۴۰؛ النجم: ۲۳.

۶. التوبة: ۲۶ و ۴۰؛ الفتح: ۴ و ۱۸ و ۲۶.

۷. الرعد: ۱؛ الرعد: ۱۹؛ سبأ: ۶؛ الحديد: ۱۶.

۸. الزمر: ۲۳.

۹. الطلاق: ۵.

ذکر^۱ هم‌نشین شده یا واژگان «رزق^۲، کتاب^۳، فرقان^۴، قرآن^۵، آیه^۶» که برای امور مادی و معنوی توأمان از این واژه بهره گرفته شده، چنین القا می‌کند که خداوند و فرشتگان امری مادی و جسمانی را از مکانی مشخص در جهتی مشخص برای بشر فرستاده‌اند. روشن است که نسبت تعبیر نزول (فرود آمدن) یا انزال (فرو فرستادن) به خداوند نشانگر نقطه آغاز نزول نیست؛ زیرا خداوند در آسمان ساکن نیست؛ بلکه این تعبیر به علو مقامی و معنوی پروردگار اشاره دارد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۶۸). در نتیجه مفهوم علو، حاکی از برتری خداوند نسبت به موجودات عالم است که با وام‌گیری مفهوم برتری بر اساس بدن‌مندی انسان، به بالا و آسمان اشاره شده و مفهوم برتر و بلند مرتبه را در جهت بالا متصور می‌شود.

۷-۲. طرح‌واره مجاورت

در طرح‌واره مجاورت یک شیء یا پدیده در مجاورت شیء یا پدیده‌های دیگر قرار می‌گیرد. این طرح‌واره از طرح‌واره‌های مبنا است (Johnson, 1987, 126). در برخی از آیات قرآن، مفهوم مجاورت قابل استنباط است. مانند آیه «لَهُمْ مَا يَشَاؤُنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ» (الزمر: ۳۴)^۷ که «محسنین» در مجاورت پروردگار قرار داده شده‌اند؛ نیز آیه «أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ...» (البقرة: ۲۱۰) که مکانی‌شدگی «غمام» نه از جهت فیزیکی، بلکه مجاورت و احساس

۱. الطلاق: ۱۰۰.

۲. یونس: ۵۹.

۳. البقرة: ۱۷۴ و ۱۷۶؛ النسا: ۱۱۳؛ الأنعام: ۹۱ و ۱۱۴؛ الأعراف: ۱۹۶؛ الکهف: ۱؛ الزمر: ۱؛ غافر: ۲؛ الشوری: ۱۵ و ۱۷؛ الجاثية: ۲؛ الأحقاف: ۲.

۴. الفرقان: ۱.

۵. المائدة: ۱۰۱؛ هود: ۱۴.

۶. الأنعام: ۳۷؛ یونس: ۲۰؛ الرعد: ۷ و ۲۷؛ الحديد: ۹.

۷. طرح‌واره مجاورت واژه «عند» در آیاتی مانند القصص: ۲۷؛ التوبة: ۷؛ طه: ۵۲؛ الزمر: ۳۴ و الأنعام: ۱۲۷ قابل برداشت است.

نزدیکی امر خداوند به انسان را می‌توان متصوّر شد. توضیح این‌که اسناد افعال به خداوند با نفی ویژگی‌های مادی صحیح است؛ از این‌رو در این آیه نیز با نفی جسمانیت، قرب و فقدان مانع حاصل می‌شود، در نتیجه چون «ایتیان خداوند» همان برطرف شدن مانع میان قضای خدا و آنان است، اسناد حقیقی است و مجازی صورت نگرفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۰۵). از آنجایی که «ایتیان» مستلزم جابجایی است و حلول و قرارگیری در یک مکان بعد از نبود در آن مکان را می‌رساند، برخی مفسران معتقدند مراد از بیان «ظلل» ظاهر شدن عذاب یا چیزی مانند آن در قطعات ابر است لذا این کلمه قرینه روشنی است بر اینکه مراد، ایتیان خدا نیست بلکه مراد ایتیان آثار غضب اوست (طیب، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۹۰).

۷-۳. طرح‌واره برجستگی

در طرح‌واره برجستگی، از مقایسه‌ی یک شیء یا پدیده با سایر اشیاء یا پدیده‌های هم سطح برجستگی و تمایز ویژه آن مشخص می‌شود (قربانی لاکتراشانی و حسینی، ۱۴۰۰، ص ۷۵).

واژه «دون» ظرف مکان منصوب در مقابل «فوق» مفاهیم نزدیکی، ضعف و کمتر بودن را با خود همراه دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۳۰۷). برای نمونه در آیه «وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ» (الشوری: ۳۱)، غیر خدا نسبت به او در مرتبه‌ی پایین‌تر و حقیر، خفیف و ضعیف قلمداد شده است، در نتیجه مفهوم «بالا/بیشتر» برای خداوند و «پایین/کمتر و ضعیف‌تر» برای غیر خداوند مفهوم‌سازی شده است.

عبارت قرآنی «سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (یونس: ۱۸؛ النحل: ۱؛ النمل: ۶۳؛ روم: ۴۰؛ الزمر: ۶۷) نیز بر والایی مکانی و مقامی خداوند از توصیف و تصوّر مشرکان حکایت دارد. همچنین عبارت «عَمَّا يَصِفُونَ» (الأنعام: ۱۰۰) و «عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا» (الإسراء: ۴۳) این تمایز و برتری ویژه‌ی خداوند را یادآور شده است. بنابراین خداوند متعال به‌عنوان بالای مطلق، تمایز ویژه نسبت به همه پدیده‌ها دارد

و واژه «تعالی» مکانی‌شدگی و جهت مکانی بالا را متذکر می‌شود؛ اما همراهی واژه «سبحان» آن را در حوزه مفهومی بیشتر و مقامی تصویرسازی کرده است.

۷-۴. طرح‌واره حرکتی

این طرح‌واره از طریق تجربه‌ی حرکت برای پدیده‌های گوناگون فضایی متحرک به تصویر می‌کشد (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۶۹). به دیگر سخن تجربه تکرارشونده‌ی حرکت در انسان که از نقطه‌ای آغاز و در نقطه‌ای خاص به پایان می‌رسد. این مفهوم در درک پدیده‌هایی مانند زندگی و مسیر آن، از طریق تناظر میان مبدأ و مقصد به وجود می‌آید که دارای جهت و زمان است و از مفهوم کلی استعاره «مقصد مقصود است» و «زندگی سفر است» پیروی می‌کند. در بسیاری از آیات قرآن کریم به بازگشت به سوی خداوند اشاره شده است؛ انسان در این دنیا به مثابه‌ی مسافری مفهوم‌سازی می‌شود که بر اساس توانایی، استعداد و اختیار خود مسیری را انتخاب و در آن حرکت می‌کند. در این آیات، مقصد این مسیر، یعنی خداوند، به گونه‌ای تصویر می‌شود که گویا مقصدی مادی بوده و در انتظار گذراندن مسیر توسط انسان است. برای نمونه در آیه «فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ...» (المائدة: ۴۸) خداوند به انسان قابلیت و استعداد ارزانی داشت و به او آزادی عمل و قدرت انتخاب داد تا او همواره به سوی خیرات و کارهای نیک و شایسته پیشی گیرد و در رسیدن به مقام شایسته خود شتاب کند. او باید بداند که بازگشت همه به سوی خداست و خدا از آنچه بشر در طول تاریخ در آن اختلاف کرده، او را آگاه خواهد ساخت و این آگاهی در روز قیامت که دیگر روز تکلیف و عمل نیست دست خواهد داد (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۱۷).

از دیگر هم‌آبی واژگانی که حرکت و پویایی را به ذهن متبادر می‌نماید «الی الله» است که با واژه «مصیر» مکانی‌شدگی خداوند به عنوان مقصد مسیر انسان را بیان می‌دارد. «مصیر» اسم مکان و به معنای محل بازگشت و مقصد نهایی انتقال و حرکت است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۲۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۹۹). برخی معتقدند ماده‌ی اصلی «صیر» تحوّل و تغییر به حالتی دیگر است که در طول مسیر

اتفاق می‌افتد و به دیگر سخن «مصیر» تحوّل انسان در طول زندگی است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۳۷۸)؛ البته این معنا با مصدر میمی بودن واژه «مصیر» سازگار است نه اسم مکان. در آیه «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (النور: ۴۲) نیز خداوند در نهایت مسیر زندگی به‌عنوان محل بازگشت به‌سان فرمانروایی نشسته بر تخت، شاهد و ناظر مسیر حرکت انسان و منتظر بازگشت اوست. لازمه‌ی آفرینش آن است که همه شئون جهان تحت تدبیر دائم و احاطه ساحت پروردگار و وابسته به مشیّت و خواست او باشد (حسینی همدانی، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۳۸۸). این طرح‌واره براساس بدن‌مندی انسان متناظر با مسافر، طول زندگی انسان متناظر به مسیر و خداوند به‌عنوان مقصد این مسیر تصویرسازی شده است از این رو برخی مفسران براین باورند که باتوجه‌به مبرّا بودن خداوند از مکان‌مندی و ماده آیه بر محل رجوع بودن خداوند به معنای مرجعیّت وی در امور دلالت دارد و حتی بازگشت در معاد هم، منظور نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۵۶).

نتیجه‌گیری

توصیف خداوند در آیات صفات در سه محور کلی فعلیّت، مکانیّت و جسمانیّت می‌تواند، بر انسان مشتبه‌گشته و خدایی انسان‌وار را در ذهن مخاطب مجسم نماید. در این پژوهش با تمرکز بر مکانیّت خداوند، بازتاب معنایی صفاتی مانند قدرت، تسلط، ثبوت، مقام، علویّت، غایت و مرجعیّت بررسی و تحلیل گردید و مشخص شد با وجود طرح‌واره‌های قابل تصویر برای واژگان مکانی‌شدگی از جمله عرش، کرسی، مصیر، مرصاد، عند، فوق، الی، صعود، انزال و عروج، سیاق آیات موجب شکل‌گیری حوزه‌های معنایی جدیدی شده و با کمک الفاظ اعتباری و مادی، مفاهیم فوق مادی را ارائه کرده است. همچنین در طرح‌واره جهتی بالا/پایین به مثابه‌ی قدرت، بیشتر و بهتر محدوده مکانی مطرح شده در آیات صفات تصویرسازی شده و در طرح‌واره‌های نزدیک/دور بازتاب یافته است؛ به‌گونه‌ای که مخاطب، باتوجه‌به آیاتی که هرگونه نزدیکی فیزیکی را درباره خداوند محال می‌داند، این معانی را در ذهن خود در سطح مفاهیم متافیزیکیال ساختاربندی می‌کند. البته ضروری است در پژوهش‌های قرآنی

و تفسیری توجه به تفاوت‌های موجود میان طرح‌واره‌های تصویری و فضای متافیزیکی متمایز شود. نگاه مؤمنانه و تنزیهی و توجه به اصول اعتقادی توحیدی و یگانگی خداوند و عدم شباهت خداوند با پدیده‌های مادی از تفسیر به رأی و آفات این روش جلوگیری می‌کنند. استفاده از این روش در تفسیر آیات درک مفاهیم متافیزیکی را با کمک درک مفاهیم محسوس و تقریب به ذهن ممکن می‌سازد. از سوی دیگر محدودیت واژگانی و ساحت زبان بشر، چرایی وجود این کاربردها در قرآن را برای مخاطب قابل فهم می‌سازد.

اگرچه پژوهش‌های پیشین به استعاره‌های مکانی و مفاهیم انتزاعی در قرآن پرداخته‌اند، اما تمرکز اختصاصی بر روی موضوع خدای انسان‌وار در مجموعه‌ای از آیات و تحلیل آن در قالب استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری رویکردی نوین است. همچنین این مطالعات به صورت موردی، بر واژگان یا مفاهیم خاصی، با تحلیل زبان‌شناختی تمرکز داشته‌اند. اما این پژوهش با تحلیل گسترده‌تر و جامع‌تر، از یک سو بر تعامل مفاهیم محسوس و متافیزیکی تأکید کرده و از سوی دیگر با نگاهی تنزیهی و با رعایت اصول اعتقادی از تشبیه خداوند به انسان و آفات احتمالی آن پرهیز نموده است.

• منابع

*قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۲۰ق). *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. بیروت: دار الجیل.
۲. ابن منظور، محمدبن مکرّم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۳. اسودی، علی و مدیری، سمیه (۱۴۰۱). بررسی طرح‌واره‌های تصویری قرآن کریم بر اساس نظریه جانسون (مطالعه موردی سوره صافات). *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*. ۹(۳)، صص ۳۰-۵۶.

۴. اکو، امبرتو؛ جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰). *استعاره مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی*. ترجمه فرهاد ساسانی و جمعی از مترجمان. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، سوره مهر.
۵. امینی، فرید (۱۴۰۲). طرحواره‌های تصویری و نقش آن در شکل‌گیری شبکه شعاعی؛ مطالعه موردی ماده «دبر» در قرآن کریم. *نشریه ذهن*. ۲۴(۹۴)، صص ۱۵۳-۱۸۷.
۶. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق). *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. پورا ابراهیم، شیرین؛ غلام، ارسلان؛ آقاغلزاده، فردوس و کرد، عالیه (۱۳۸۸). بررسی زبان‌شناختی استعاره جهت‌ی بالا/پایین در زبان قرآن؛ رویکرد معناشناسی شناختی. *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*. ۵(۱۲)، صص ۵۸-۸۱.
۸. پور ابراهیم، شیرین؛ غلام، ارسلان، آقاغلزاده، فردوس، کرد، عالیه (۱۳۹۲). بررسی معناشناختی مکانی‌شدگی مفاهیم انتزاعی در زبان قرآن. *نشریه ادب و زبان*. ۱۶(۳۴)، صص ۸۵-۱۰۸.
۹. تیموری، نسرین؛ جیگاره، مینا و فقیه ملک مرزبان، نسرین (۱۴۰۰). کارکرد طرح‌واره‌های تصویری در مفهوم‌سازی قرآن با تحلیل شواهدی از سوره طه و انبیاء. *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*. ۹(۲)، صص ۲۹-۴۶. DOI: 10.30473/quran.2021.8194
۱۰. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶). *تفسیر کوثر*. قم: انتشارات هجرت.
۱۱. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶). *تفسیر نهج البلاغه*. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. جمعی از پژوهشگران (۱۹۹۵م). *ترجمه کتاب مقدس شامل عهد قدیم و عهد جدید*. انگلستان: انجمن بین‌المللی کتاب مقدس.

۱۳. حبیب‌پور گودرزی، رقیه؛ شاهمرادی فریدونی، محمد مهدی و شریفی، محمد (۱۴۰۲). بررسی طرح‌واره‌های تصویری سوره اسراء بر اساس نظریه جانسون. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*. ۱۲(۱). صص ۱۰۱-۱۲۰.

DOI: 10.22108/nrgs.2023.137869.1876

۱۴. حسنی رازی، سید مرتضی (۱۳۸۳). *تبصرة العوام*. تصحیح: عباس اقبال آشتیانی. تهران: دیبا.

۱۵. حسومی، ولی‌الله و توکل نیا، مریم (۱۳۹۵). بررسی طرح‌واره‌های تصویری حرف «فی» در قرآن با تکیه بر نظریه جانسون در معناشناسی شناختی. *نشریه تفسیر پژوهی*. ۳(۵). صص ۴۶-۸۰.

۱۶. حسینی همدانی، محمدحسین (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان*. تهران: کتابفروشی لطفی.

۱۷. خانی کلکای، حسین (۱۴۰۴). تحلیل نگاشت‌های استعاره‌های مفهومی «انسان‌نگاری» در قرآن کریم. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*. ۱۴(۱).

DOI: 10.22108/nrgs.2024.139075.1904. صص ۳۵-۵۰

۱۸. راسخ مهند، محمد (۱۳۸۹). بررسی معانی حروف اضافه مکانی فرهنگ سخن بر اساس معناشناسی شناختی. *ادب‌پژوهی*. ۴(۱۴)، ۴۹-۶۶.

۱۹. راغب اصفهانی، محمدحسین (۱۴۱۶ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.

۲۰. سامی حمادی، سم (۲۰۲۳). تحلیل دلایلی إدراکی لبعض الآيات القرآنية المختارة (۲۰۲۳). جامعة النهدين. *مجلة مداد الآداب*. ۳۲(۱۳). صص ۹۸۳-

1004. <https://doi.org/10.58564/ma.v13i32.1100>

۲۱. شیروی، حسن و غیاثوند، مهدی (۱۴۰۰). سخن‌گفتن از خداوند: مکملیت زبان دین‌تشکیکی و استعاره‌گرایی به روایت ریکور. *الهیات تطبیقی*. ۱۲(۲۶).

صص ۵۷-۶۸.

DOI: 10.22108/COTH.2021.110647.1630

۲۲. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*. قم: فرهنگ اسلامی.
۲۳. صفوی، کورش (۱۳۸۲). بحثی درباره طرح‌واره‌های تصویری از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی. *نامه فرهنگستان*. ۶ (۱). صص ۶۵-۸۵.
۲۴. صفوی، کورش (۱۳۹۲). کدام معنا، علم زبان. ۱۱ (۱). صص ۴۰-۱۱.
DOI: 10.22054/IS.2014.25
۲۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسلام.
۲۷. غالیم، محمد (۲۰۰۷م). *النظرية اللسانية و الدلالة العربية المقارنة*. مغرب: دارتوبقال للنشر.
۲۸. فتوحی، محمود (۱۳۹۰). *سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. تهران: انتشارات سخن.
۲۹. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد (۱۴۰۹ق). *العین*. تحقیق: دکتر مهدی المخزومی و دکتر ابراهیم السامرائی. تهران: دار الهجرة.
۳۰. فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۰۹ق). *من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک.
۳۱. قائمی، مرتضی و ذوالفقاری، اختر (۱۳۹۵). بررسی استعاره‌های شناختی در حوزه زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن (استعاره عام مقصد مقصود است). *پژوهش‌های زبان‌شناختی*. ۵ (۱). صص ۱-۲۰.
DOI:10.22108/NRGS.2016.20528
۳۲. قربانی لاکتراشانی، فاطمه؛ حسینی، زینب السادات (۱۴۰۰). کاربست انتقادی نظریه طرح‌واره‌های تصویری «عند» در قرآن در معناشناسی شناختی. *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*. ۹ (۱). صص ۵۳-۸۲.
۳۳. قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۵). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.

۳۴. محمص، مرضیه و رضازاده، یونس (۱۴۰۳). حوزه‌های مبدأ در استعاره‌های مفهومی ایمان و کفر در قرآن کریم. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*. ۲۱(۲). صص ۱۳۹-۱۶۴.

DOI: 10.22051/tqh.2024.44560.3963

۳۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.

۳۶. معصومی، سید حسین (۱۳۸۵). *نظارت و کنترل از دیدگاه اسلام*. تهران: انتشارات سروش هدایت.

۳۷. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ ق). *التفسیر الکاشف*. قم: دار الکتب الإسلامی.

۳۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

۳۹. یگانه، فاطمه، افراشی، آریتا (۱۳۹۵). استعاره‌های جهتی در قرآن با رویکرد شناختی. *جستارهای زبانی*. ۷(۵). صص ۱۹۳-۲۱۶.

۴۰. یوسفی راد، فاطمه (۱۳۸۲). *بررسی استعاره زمان در زبان فارسی: رویکرد معناشناسی شناختی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

41. Bargh, J; Chen, M; Burrows, L. (1996). Automaticity of social Direct effects of trait construct and stereotype activation on action. *Journal of Personality and Social Psychology*. 71, 230-244. DOI: 10. 1027/0022-3514. 71. 20230



42. Eliade, Mircea (1987). *The Encyclopedia of Religion*. New York: Macmillan publishing company.

43. Evans, Vyvyan , Green, Melanie (2006). *Cognitive Linguistics; An Introduction*. New jersy: Lawrence Erlbaum Associattes, Publishers.

44. Johnson, M. (1987). *The body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination and reason*. Chicago: Univestity of Chicago Press.

45. Khan, Sardaraz & Ali, Roslan (2017). A Cognitive-Semantic Study of the Spatial Preposition Fi in the Quran. *KEMANUSIAAN The Asian Journal of Humanities*, 24(2), 89-122. DOI: 10.21315/kajh2017.24.2.4.
46. Saeed, John I. (1997). *Semantics*. Oxford: Blakwell.
47. Skolink, Fred; Berenbaum, Michael (1945). *Encyclopedia Judaica*. New York: Thomson Gale.
48. Taylor, John R (1990). Category Extension, Metonymy and Metaphor, Linguistic Categorization. Prototype in Linguistic Theory. Calrendon University press & Oxford. 2. 122-141.

Resources

- The Holy Quran. (In Arabic).
- 1. Ibn Fāris, A. (1999). *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah*. (A. M. Hārūn, Ed.). Beirut. Dār al-Jīl. (Original work published 1420 AH). (In Arabic).
- 2. Ibn Manẓūr, M. ibn M. (1994). *Lisān al-'Arab*. Beirut. Dār Ṣādir. (Original work published 1414 AH). (In Arabic).
- 3. Aswadi, A. and Modiri, S. (2022). A Study of the Image Schemas of the Holy Qur'an Based on Johnson's Theory: the Case of Surah As-Saffat. *Literary Quranic Researches*, 9(3), 30-56.  [20.1001.1.23452234.1401.9.3.2.2](https://doi.org/10.1001.1.23452234.1401.9.3.2.2) (In Persian).
- 4. Eco, U., & a group of authors. (2011). *Metaphor: The foundation of thought and a tool for creating beauty* (F. Sāsānī et al., Trans.). Tehran. Islamic Culture and Art Research Center, Sūrah Maḥr. (Original work published 1390 SH). (In Persian).
- 5. Amīnī, F. (2023). Image schemas and their role in the formation of radial networks: A case study of the root "d-b-r" in the Holy Quran. *Journal of Mind*, *24*(94), 153–187. (In Persian).
- 6. Biqā'ī, I. ibn 'U. (2006). *Nazm al-Durar fī Tanāsib al-Āyāt wa al-Suwar*. Beirut. Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. (Original work published 1427 AH). (In Arabic).
- 7. Pūr Ibrāhīm, Sh., GhulFām, A., Āqā Gulzādah, F., & Kurd, 'Ā. (2009). A linguistic analysis of the UP/DOWN orientational metaphor in the language of the Quran: A cognitive semantics approach. *Journal of the Iranian Association of Arabic Language and Literature*, *5*(12), 58–81.  [20.1001.1.23456361.1430.5.12.4.1](https://doi.org/10.1001.1.23456361.1430.5.12.4.1) (In Persian).
- 8. Pūr Ibrāhīm, Sh., GhulFām, A., Āqā Gulzādah, F., & Kurd, 'Ā. (2013). A semantic study of the spatialization of abstract concepts in the language of the Quran. (2013). *Journal of Prose Studies in Persian Literature*, 16(34), 107-124. doi: 10.22103/jll.2013.702 (In Persian).
- 9. *The Holy Bible containing the Old Testament and the New Testament*. (1995). England. International Bible Society. (In English).

10. teimuri, N., jigareii, M. and faghih malek marzban, N. (2021). The Function of Imaginary Schemes in the Conceptualization of the Qur'an By analyzing evidence of Surah Taha and Anbia. *Journal of Qur'anic Interpretation and language*, 9(2), 29-46. doi: 10.30473/quran.2021.8194 (In Persian).
11. Ja'farī, Y. (1997). *Tafsīr- e - Kawthar*. Qom. Hijrat Publications. (In Persian).
12. Ja'farī, M. T. (1997). *Tafsīr- e - Nahj al-Balāghah*. Tehran. Farhang-e- Islāmī Publishing. (In Persian).
13. Habib pour godarzi, R., Shahmoradi Fereidoni, M. M. and Sharifi, M. (2023). Investigating the Imagery Schemas of Al-Isra Surah Based on Johnson's Theory. *Linguistic Research in the Holy Quran*, 12(1), 101-120. doi: 10.22108/nrgs.2023.137869.1876 (In Persian).
14. Ḥasanī Rāzī, S. M. (2004). *Tabṣirat al-ʿAwāmm* (A. Iqbāl Āshtiyānī, Ed.). Tehran. Dībā. (Original work published 1383 SH). (In Persian).
15. Tavakolnīya, M. and Hasoomi, V. (2016). A survey of the schemas of the letter "Fi" in the Qur'an based on Johnson's theory of cognitive semantics. *Biannual Journal of research in the interpretation of Quran*, 3(5), 80-46. (In Persian).
16. Ḥuseynī Hamedānī, M. Ḥ. (1984). *Anwār -e- Darakhshān*. Tehran, Luṭfī Bookstore. (Original work published 1404 AH). (In Persian).
17. Khani Kalgay, H. (2025). Analysis of conceptual metaphors of "anthropomorphism" in the Holy Quran. *Linguistic Research in the Holy Quran*, 14(1), 35-50. doi: 10.22108/nrgs.2024.139075.1904 (In Persian).
18. Rasekh Mahand, M. (2011). Meaning of Locative Prepositions in "Sokhan Comprehensive Dictionary": A Cognitive Semantic Approach. *Journal of Adab Pazhuhi*, 4(14), 49-66. (In Persian).
19. Rāghib al-Iṣfahānī, M. Ḥ. (1995). *Mufradāt Alfāz al-Qur'ān*. Beirut, Dār al-Qalam. (Original work published 1416 AH). (In Arabic).
20. Shiravi, H. and Ghiasvand, M. (2021). God-Talk: Complementarity of Tashkiki Religious Language and

- Metaphorism. *Comparative Theology*, 12(26), 57-68. doi: 10.22108/coth.2021.110647.1630 (In Persian).
21. Šādiqī Tihirānī, M. (1985). *Al-Furqān fī Tafṣīr al-Qur'ān bel-Qur'ān wa al-Sunnah*. Qom. Farhang-i Islāmī. (Original work published 1406 AH). (In Arabic).
 22. Šafavi, K. (2014). Spatial Interpretation of the Left-Right and Front-Back Axes in Persian. *Language Science*, 1(1), 11-40. doi: 10.22054/lis.2014.25 (In Persian).
 23. Šafavi, K. (2003). A Discussion of "IMAGE SCHEMA" from the view point of cognitive semantic. NAME- YE FARHANGESTAN, 6(1 (21)), 65-85. SID. (In Persian).
 24. <https://sid.ir/paper/88051/en>
 25. Ṭabāṭabā'ī, S. M. Ḥ. (1997). *Al-Mizān fī Tafṣīr al-Qur'ān*. Qom, Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom. (Original work published 1417 AH). (In Arabic).
 26. Ṭayyib, S. 'A. al-Ḥ. (1999). *Aṭyab al-Bayān fī Tafṣīr al-Qur'ān*. Tehran, Islām Publications. (Original work published 1378 SH). (In Persian).
 27. Ghālim, M. (2007). *Al-Nazarīyah al-Lisānīyah wa al-Dalālah al-'Arabīyah al-Muqāranah*. Morocco, Dār Tūbqāl lil-Nashr. (In Arabic).
 28. Fotūḥī, M. (2011). *Stylistics: Theories, approaches, and methods*. Tehran, Sukhan Publications. (In Persian).
 29. Farāhīdī, Kh. ibn A. (1988). *Al-'Ayn* (M. al-Makhzūmī & I. al-Sāmarrā'ī, Eds.). Tehran, Dār al-Hijrah. (Original work published 1409 AH). (In Arabic).
 30. Faḍl Allāh, M. Ḥ. (1988). *Min Waḥy al-Qur'ān*. Dār al-Malāk. Beirut, (Original work published 1409 AH). (In Arabic).
 31. Ghaemi, M. and Zolfaghari, A. (2016). Study of the Cognitive Metaphors Referring to Wordily and Heavenly Lives in the Qur'an. *Linguistic Research in the Holy Quran*, 5(1), 1-20. doi: 10.22108/nrgs.2016.20528 (In Persian).
 32. Qorbani Laktarashani, F. and Hosseini, Z. S. (2021). A Critical Application of the Theory of "Enda" Pictorial Schemas in the Holy Qur'an within Cognitive Semantics. *Literary Quranic Researches*, 9(1), 53-82. (In Persian).

33. Qorashī, 'A. A. (1996). *Tafsīr Aḥsan al-Ḥadīth*. Tehran, Bunyād-i Ba' that. (In Persian).
34. Mohases, M. and Rezazadeh, Y. (2024). The Source Domains in Conceptual Metaphors of Faith and Disbelief in Holy Qur'an. *Researches of Quran and Hadith Sciences*, 21(2), 139-164. doi: 10.22051/tqh.2024.44560.3963 (In Persian).
35. Muṣṭafawī, Ḥ. (1981). *Al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qur'ān al-Karīm*. Tehran, Nigāh. (Original work published 1360 SH). (In Arabic).
36. Ma'šūmī, S. Ḥ. (2006). *Supervision and control from the perspective of Islam*. Tehran, Sarv-i Hidāyat Publications. (In Persian).
37. Mughnīyah, M. J. (2003). *Al-Tafsīr al-Kāshif*. Qom, Dār al-Kitāb al-Islāmī. (Original work published 1424 AH). (In Arabic).
38. Makārim Shīrāzī, N. (1991). *Tafsīr-i Nimūnah*. Tehran, Dār al-Kutub al-Islāmīyah. (In Persian).
39. Yegane, F. and Afrashi, A. (2016). Orientational Metaphors in Quran: A Cognitive Semantic Approach. *Language Related Research*, 7(5), 193-216. (In Persian).
40. Yūsufī Rād, F. (2003). *A study of time metaphors in Persian: A cognitive semantics approach* [Master's thesis, Tarbiat Modares University]. (In Persian).
41. Bargh, J. A., Chen, M., & Burrows, L. (1996). Automaticity of social behavior: Direct effects of trait construct and stereotype activation on action. *Journal of Personality and Social Psychology*, *71*(2), 230–244. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.71.2.230> (In English)
42. Eliade, Mircea (1987). *The Encyclopedia of Religion*. New York: Macmillan publishing company. (In English)
43. Evans, Vyvyan, Green, Melanie (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. New jersy: Lawrence Erlbaum Associattes, Publishers. (In English)
44. Johnson, M. (1987). *The body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning. Imagination and reason*. Chicago: Univestity of Chicago Press. (In English)

45. Khan, Sardaraz & Ali, Roslan (2017). A Cognitive-Semantic Study of the Spatial Preposition Fi in the Quran. *KEMANUSIAAN The Asian Journal of Humanities*, 24(2), 89–122. DOI: 10.21315/kajh2017.24.2.4. (In English)
46. Saeed, John I. (1997). *Semantics*. Oxford: Blakwell. (In English)
47. Sami, Samar (2025). A Cognitive Semantic Analysis of Selected Quranic Verses. *Midad Al-Adab*. 13(32), 983-1004. (In English)
48. Skolink, Fred; Berenbaum, Michael (1945). *Encyclopedia Judaica*. New York: Thomson Gale. (In English)
49. Taylor, J. R. (1990). Category extension: Metonymy and metaphor. In *Linguistic categorization: Prototypes in linguistic theory* (pp. 122–141). Clarendon Press & Oxford. (In English)